

## دو فصلنامه رهیافت‌های پژوهش اقتصادی

سال اول، شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

### تشکیل بازار دین (تأمین مالی اسلامی)

قاسم عسگری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

#### چکیده

امروزه افراد، بنگاه‌های اقتصادی و حکومت‌ها با انواع بدهی‌ها مواجه‌اند، بدهی‌ها تأثیر مهمی بر زندگی آن‌ها دارد که حاکی از اهمیت موضوع دیون است. با توجه به کاربردهای گسترده اسناد بدهی و ضرورت مبادله‌ی آن‌ها، جای چنین بازاری خالی است. برای توسعه بازارهای مالی و نیل به رشد اقتصادی ایجاد بازار دین لازم است، خصوصاً با توجه به مقررات سخت بازار بورس و برقراری الزامات پذیرشی دشوار آن. فرضیه مقاله این است که تشکیل بازار خرید و فروش دین راه‌کاری مناسب برای تأمین مالی است. بازاری جهت معامله دیون که بنگاه‌های اقتصادی، افراد و ... قادر باشند به راحتی و با اطمینان دیون خود را تنزیل و تأمین مالی نمایند. بیع دین و تنزیل آن، تسهیلات فروش اقساطی (مرابحه) و انواع اوراق مرابحه از ابزارهای این بازارند. ریسک‌های آن به تناسب با وثیقه، ضمانت، رهن، سوآپ نکول، قولنامه و بیع بالوفا قابل پوشش است. ایجاد این بازار باید با استفاده از فناوری‌های روز دنیا باشد و با تسهیل مقررات و بهره‌گیری مناسب از همه‌ی سازوکارهای معاملاتی، گردش معاملات را تسریع و هزینه‌های آن را کاهش دهد. این بازار باید شفاف، مطابق با شرع و با هدایت و نظارت دولت باشد تا همراه با افزایش کارایی و ازبین‌رفتن زمینه‌های فساد مالی، تسهیل مبادلات را به دنبال داشته باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** دین، بیع دین، بازار دین، تأمین مالی.

طبقه‌بندی JEL: F۳۴, M۳۱, P۳۳

## مقدمه

در جهان امروز، بسیاری از افراد در ابعاد مختلف زندگی و بنگاه‌های اقتصادی و حتی حکومت‌ها در بسیاری از شئون خود با انواع بدهی‌ها مواجه‌اند، به‌صورتی که بدهی‌ها تأثیر مهمی بر زندگی مردم و بنگاه‌های اقتصادی و حیات سیاسی دولت‌ها دارد. بسیاری از افراد، در مسایل گوناگون خود نظیر تهیه سرپناه، مایحتاج زندگی، اسباب و لوازم منزل، هزینه تحصیل، جهیزیه و ... درگیر انواع قرض‌ها هستند. برای بنگاه‌های اقتصادی هم وام یکی از منابع تامین مالی است، به‌گونه‌ای که اکثر شرکت‌های بزرگ اقتصادی اقدام به صدور سندهای دین می‌کنند و در سطح حکومت‌ها هم امروزه کمتر دولتی در دنیا یافت می‌شود که با بدهی‌ها سروکار نداشته باشد. در تفکر اسلامی نیز بیع دین مورد پذیرش مسلمانان بوده و در جامعه اسلامی به آن عمل می‌شده است. این تحقیق به بررسی تشکیل بازار خرید و فروش دیون می‌پردازد که امروزه با توجه به کاربردهای گسترده و ضرورت آن، جای آن خالی است. به دلایل زیادی از جمله؛ برای توسعه بازارهای مالی و نیل به رشد اقتصادی، هدایت نقدینگی به بخش حقیقی اقتصاد تشکیل این بازار ضرورت دارد. مضافاً این که گامی به‌سوی تبدیل نظام بانک‌محوری کشور به نظام مالی بازارمحور بوده و مقررات سخت و دست‌وپاگیر بازار بورس و برقراری الزامات پذیرشی دشوار آن را ندارد. این بازار باید به‌نحوی باشد که بنگاه‌های اقتصادی، افراد حقیقی و حقوقی و ... با هر میزان مبلغ دین و اوراق بدهی، خرد یا کلان و حتی اسناد بدهی با رقم‌های پائین امکان معامله داشته باشند. انعطاف‌پذیری مناسب این بازار، امکان معامله برای شرکت‌های جدید و کوچک، افراد حقوقی و حقیقی با هر میزان اوراق بدهی فراهم باشد؛ بنابراین فرضیه مقاله این است که تشکیل بازار خرید و فروش دین که همه‌ی ویژگی‌ها و کارکردهای بازار اسلامی را دارا باشد، راه‌کاری مناسب برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است.

در میان مقاله‌ها و سایر منابع، به تحقیقی که به‌صورت مستقل تشکیل بازار دین را پیشنهاد نماید دست نیافتیم. پژوهش‌هایی به بحث بیع دین و تشکیل بازار به‌صورت مجزا پرداخته‌اند.

ثابت (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موضوع‌شناسی بیع دین» با روش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی به بررسی حکم فقهی بیع دین، بیع دین به دین، بیع دین پولی پرداخته است. ایشان بر این باور است که در اصل بیع دین تردیدی نیست و هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که بیع دین به کمتر،

در صورتی که ربا لازم نیاید جایز است. اما در مورد بیع دین به دین ایشان معتقد است، بیع دین به دین در صورتی که هر دو دین، قبل از عقد، دین باشند، صحیح نیست بدون تفاوت در این که هر دو حال باشند یا مؤجل یا یکی حال و دیگری مؤجل و اگر هر دو دین، به سبب عقد، دین باشند در صورتی که هر دو مؤجل باشند، باطل است و الا صحیح است و اگر یکی، دین قبل از عقد باشد و دیگری، دین به سبب عقد، در صورتی که دومی (دین به سبب عقد) مؤجل باشد باطل است، اما اگر دومی، مؤجل نباشد، بلکه حال باشد صحیح است.

بزمی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی بیع دین به دین و مقایسه تطبیقی با نهادهای مشابه» با روش توصیفی-تحلیلی، بیع دین به دین را یکی از متداول‌ترین بیع‌ها که در روابط تجاری داخلی و بین‌الملل شایع است دانسته و معتقد است هر چند بطلان آن به طور مطلق در بین فقها مشهور است، اما به این نتیجه می‌رسد که دلیل معتبری بر بطلان بیعی که ثمن یا مثن یا هر دو به صورت دین باشند، وجود ندارد، بلکه براساس ادله جواز عقد و اصل صحت معاملات می‌توان چنین معاملاتی را صحیح دانست و براساس حدیث «لا بیع الدین بالدین»، بنا بر جبران ضعف سند با عمل مشهور، بطلان تنها اختصاص به مورد متیقن دارد. (که مبیع و ثمن قبل از عقد، دین باشند)

وزیری (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «بررسی بیع دین به دین در فقه امامیه» معتقد است هر چند بطلان بیع دین به دین به طور مطلق بین فقها مشهور است، اما دلیل معتبری بر بطلان بیعی که ثمن و مثن یا هر دو بعد از عقد و به سبب آن دین شوند، موجود نیست و به این نتیجه می‌رسد که براساس ادله جواز عقد و اصل صحت معاملات می‌توان چنین معاملاتی را صحیح دانست و براساس حدیث «لایباع الدین بالدین» بنا بر جبران ضعف سند آن به عمل مشهور، بطلان فقط اختصاص به مورد متیقن که مبیع و ثمن قبل از عقد دین باشند، دارد و بسیاری از معاملاتی که هم‌اکنون طبق مقتضیات زمان منعقد می‌شود که در آن‌ها ثمن و مثن بعد از عقد مؤجل هستند از دایره شمول بیع دین به دین خارج‌اند و از این رو اشکالی در روابط تجاری که موجب عسرو حرج شود به وجود نمی‌آید. این مقاله به دنبال ارائه راه‌کاری برای تأمین مالی افراد و بنگاه‌های اقتصادی براساس خرید و فروش بدهی‌ها می‌باشد، تمایز این پژوهش با سایر تحقیق‌ها در این است که بازاری مستقل و فرابورس با سازوکارهای خاص خود را به این منظور پیشنهاد می‌نماید.

## ۱. تعریف دین

### ۱-۱ معنای لغوی

در کتاب‌های لغت واژه دین به معنی قرض (راغب، ۳۲۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ ه ق، ۳۲۰)، قرض دارای اجل و مهلت معین (ابن منظور، ۱۴۱۶ ه ق، ۱۹۹۵ م، ۴۵۹)، چیزی که حاضر نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۶ ه ق، ۱۹۹۵ م، ۱۳، ۱۶۶؛ فیومی، ۱۴۰۵ ه ق، ۱، ۲۰۵، خلیل، ۸، ۷۲)، چیزی که در ذمه ثابت باشد (السیستانی، ۱۴۱۷ ه ق، ۲، ۳۱۱) آمده است.

### ۱-۲ معنای اصطلاحی

علمای اهل سنت گفته‌اند که دین متعلق به ذمه است، بدون این‌که معین باشد، خواه پول باشد یا غیر آن (الموسوعه الفقهیه، ۱۴۰۴ ه ق، ۱۹۸۳ م، ۲۱، ۱۰۲ و ۱۰۳؛ و آل محمود، ۱۴۱۹ ه ق، ۱۹۹۸ م، ۴) و بعضی گفته‌اند دین، هر مالی است که به ذمه تعلق گیرد و ناشی از معاوضه یا اتلاف یا قرض باشد (همان) بعضی نیز گفته‌اند: دین حق لازمی است که بر ذمه تعلق گرفته است. (موسوعه کویتیه، پیشین، ۲۱، ۱۰۲)

بعضی از علمای شیعه: دین در برابر قرض است و به هر چیزی که اجل داشته باشد اطلاق می‌شود و قرض به هر چیزی که اجل نداشته باشد گفته می‌شود و لذا دین از نظر لغوی مختص به مؤجل است (الحسینی العاملی، ه ق، ۵، ۲). در مواردی دیگر نیز گفته‌اند دین عبارت از هر چیزی است که به سبب قرض یا بیع یا اتلاف یا جنایت یا نکاح یا نفقه زوجه یا... در ذمه ثابت باشد (السیستانی، ۱۴۱۷ ه ق، ۲، ۳۱۱). امام (ره): دین مال کلی است که به سبب در ذمه یک شخص برای شخص دیگر ثابت می‌شود. سبب ثبوت دین در ذمه، گاهی از امور اختیاری مانند قرض، مبیع در سلم، ثمن در نسیه، اجرت در اجاره و ... است و گاهی از امور قهری مانند موارد ضمان و نفقه زوجه است (اصفهان، ۱۴۲۲ ه ق، ۴۶۵). در واقع می‌توان گفت که معنای اصطلاحی دین هم از معنای لغوی آن اخذ شده است. آنچه در موضوع بیع دین، مورد نظر است، این است که دین حقوق مالی ثابت در ذمه و ناشی از بیع یا قرض یا معاوضه و ... است.

### ۱- ۳ اقسام دین

دین دارای تقسیماتی است؛ به اعتبار زمان ادا به دو نوع تقسیم می‌شود: دین حال و مؤجل. دین حال، دینی است که برای ادای آن وقت معینی نیست و دائن هر زمانی که اراده کند می‌تواند آن را مطالبه نماید و اداء آن بر مدین در زمان تمکن واجب است. اما دین مؤجل برخلاف آن است یعنی وجوب اداء آن در زمان معین است به‌گونه‌ای که اگر دائن قبل از آن زمان مطالبه نماید بر مدیون تسویه آن واجب نیست (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه ق، ۷، ۱۹۲ و مشکینی، ۱۳۸۱، ۲۴۸) و زمان آن یا توسط طرفین معین می‌شود، مانند سلم و نسیه و یا توسط شرع، مانند اقساط دیات. (مشکینی، ۱۳۸۱، ۲۴۸)

### ۲. بررسی فقهی بیع دین

نقد کردن دین در قالب عقد بیع به انگیزه تأمین مالی اگر در چارچوب احکام و قوانین شرع انجام شود، از دیدگاه فقهی جایز است. ادله‌ی فراوانی برای اثبات این مطلب وجود دارد که برخی از آن‌ها را به اختصار ذکر می‌کنیم:

### ۲- ۱ اطلاقات عمومی

در قرآن دلائلی برای این مطلب داریم از جمله آیات: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره/ ۲۷۵) و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء/ ۲۸) که اطلاق دارند و شامل بیع دین که یک مصداق خرید و فروش است نیز می‌شود، البته تا جایی که دلیلی بر منع چنین بیعی وجود نداشته باشد.

در بیع دین؛ دین (مورد معامله) مملوک صاحبش می‌باشد و از این جهت بیع آن روشن است و منعی ندارد، تنها عیبی که در مورد آن ممکن است مطرح باشد، این است که مبیع (دین) هم‌اکنون مملوک بایع نیست؛ الان اضافه به عین خارجی نشده یا نماء عین خارجی نیست و تنها در ظرف ذمه بایع موجود است و هر انسانی هم به‌معنای عام ملکیت، مالک ذمه خویش است و مقتضای قاعده در این مورد برحسب فقه غربی صحت است، زیرا بازگشت عقود ناقله در فقه غربی به تعهد به نقل است و این هم با این مسأله که مملوک الان داخل در ملک بایع نیست، منافاتی ندارد، زیرا بایع متعهد به

نقل می‌شود و طبق تعهدش عین را (دین فی الذمه) به ملکیت مشتری انتقال می‌دهد و بنابراین معامله صحیح است. اما در فقه اسلامی عقود از ابتدا ناقله هستند و نه تعهد به نقل که می‌توان در این صورت نیز بیع را تصحیح نمود؛ بایع الان به لحاظ زمان آینده، ملکیت این دین (که مفروض است در زمان آینده حاصل شود) را انتقال می‌دهد؛ یعنی الان انشای نقل می‌کند، اما حصول ملکیت بعد از تحقق آن است. وقتی چنین شد اطلاقات ادله عقود شامل آن می‌شود.

به صورت دیگر نیز می‌توان این بیع را تصحیح نمود: به این نحو که بگوئیم منظور از فروش دین که الان (در ظرف خارج) موجود نیست (بلکه در ذمه است)، تعهد به نقل ما فی الذمه (وجود ذهنی) بعد از وجود خارجی است، در این صورت نیز بیع صحیح است و روایاتی که بیع قبل از تملک را منع می‌کنند نیز ربطی به این مسأله ندارند، زیرا این روایات می‌گویند چیزی که مالک نیستی را نفروش، نه این که تعهد به بیع انجام نده.

به بیان روشن تر ذمه ظرف اعتباری است، بایع مالی اعتباری را در ظرف ذمه خود فرض می‌کند و بعد هم همان را می‌فروشد. اگرچه آن نقل به لحاظ زمان آینده است، یعنی اکنون بایع مال، ملکیت مالی که در آینده موجود می‌شود را از لحظه‌ای که موجود شد، برای مشتری انشاء می‌کند و این دینی که آینده حاصل می‌شود، احتمال ثبوتش یا ظن به ثبوتش در آینده، فرض مملوکیتش در زمان حاضر را ثابت می‌کند و بایع این وجود محتمل یا مظنون را می‌فروشد (حائری، ۱۴۲۳ ه ق، ۲، ۱۹۴-۲۰۰). برای مثال فرض کنید شرکتی دارای طلبی می‌باشد که سررسید دریافت آن یک سال آینده است، اما الان نیازمند نقدینگی (برای تأمین هزینه‌های جاری خود مانند پرداخت حقوق کارمندان، خرید مواد اولیه، امور توسعه‌ای شرکت و ...) برای تأمین مالی است، مبلغ و مقدار دین معین، تاریخ سررسید آن نیز معین و هیچ‌گونه جهالت، غرر، ضرر و ... هم برای چنین معامله‌ای وجود ندارد و این دین نیز واقعی است و به دور از هرگونه شبهه‌ی صوری بودن است، این دین در یک بازاری به مبلغ ۵ یا ۱۰ درصد تنزیل می‌شود، فروش این دین توسط این شرکت و خرید آن توسط مشتری با رضایت هر دو طرف انجام می‌شود، این معامله مصداق بیع و تجارت عن تراخ است؛ بنابراین دو آیه مذکور شامل این خرید و فروش می‌شود و به علاوه آیه‌ی *أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* (مائدة/ ۱) نیز مطلق بوده و شامل کلیه معاملات عقلایی می‌شود که معامله دین در فرض مذکور نیز یکی از مصادیق آن است.

## ۲-۲ بررسی بیع دین و بیع دین به دین

در مورد حکم بیع دین، چند سؤال قابل طرح است، الف) آیا بیع دین شرعاً جایز است؟ ب) آیا بیع دین به غیر، جایز است؟ ج) آیا مبادله دین با دینی دیگر جایز است؟ د) آیا مبلغی که مشتری برای خرید دین، به داین می‌پردازد جایز است کمتر از مقدار دین باشد؟

پاسخ به سؤال اول: در اصل بیع دین، هیچ تردیدی وجود ندارد. برخی از فقها با استناد به ادله قرآنی و روایی به جواز آن اشاره و این را دیدگاه علمای شیعه دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۵، ۳۷۹؛ جزائری، ۱۴۱۶ ه ق، ۱، ۲۱۰؛ عاملی، ه ق، ۵، ۲۰؛ طوسی، ۱۳۸۷ ه ق، ۲، ۱۳۷؛ طبرسی، ۱۴۱۰ ه ق، ۱، ۵۰۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ ه ق، ۳، ۱۲۵)

سوال دوم: بعضی از فقها بیع دین به غیر مدیون را جایز دانسته و آن را به مشهور نسبت داده‌اند و شهرتی که در این زمینه وجود دارد را قریب به اجماع می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ۲۴، ۳۴۴؛ عاملی، ۱۴۱۰ ه ق، ۱۲۵؛ حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۲، ۱۰۲؛ عاملی، ۱۴۱۴ ه ق، ۵، ۱۸؛ عاملی، ۱۴۱۲ ه ق، ۱، ۳۴۳). برخی دیگر جواز بیع دین به دائن و مدیون را مبنی بر قابلیت انتقال ما فی الذمه و دائر مدار صدق مبادله بر آن دانسته‌اند. (همدانی، ۱۴۲۰ ه ق، ۱۴)

در پاسخ به سوال سوم، بیع دین به دین که به معنای فروختن کلی در ذمه در برابر کلی در ذمه است، با تعبیرهای مختلفی مانند بیع دین به دین، بیع کالی به کالی، بیع مؤجل به مؤجل و بیع نسیه به نسیه بیان شده است. فقهاء با تمسک به دو روایت: ۱. لا يجوز بیع الکالی بالکالی (محدث نوری، ۱۴۰۸ ه ق، ۱۳، ۴۰۵) و ۲. لا بیاع الدین بالدین، آن را ممنوع دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق، ۹، ۹۶). در مورد بررسی سند این دو روایت؛ برخی سند هر دو روایت را نامعلوم (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق، ۹، ۹۷)، ضعیف (مجلسی، ۱۴۰۴ ه ق، ۱۹، ۵۲) و مخدوش (قمی، ۱۴۲۶ ه ق، ۹، ۲۰۲) می‌دانند. بعضی دیگر دلیل جواز بیع دین به دین را قوی دانسته و گفته‌اند مگر آن عقود که به دلیل شرعی خارج شوند ... و عقدی که در آن عوضین پیش از عقد مؤجل باشند ممنوع است، اگرچه احتیاط بر اقتضای عدم منع این نوع عقد است (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه ق، ۹، ۹۷ و ۹۸). دو حدیث «لا بیاع الدین بالدین» و «بیع کالی به کالی» به دلیل ضعف سند قابلیت مخصص بودن برای اطلاعات بیع دین به دین را ندارند؛ در نتیجه بیع دین به دین صحیح است. صاحب ریاض نیز وجهی مبنی بر جواز بیع با این بیان نقل کرده که: به دلیل این که دین یک حق مالی است، بیعش جایز است و قدرت بر تسلیم هم که شرط

صحت معامله است در این‌جا موجود می‌باشد، گرچه این قدرت بر تسلیم هنگام اجرای عقد وجود نداشته باشد (حائری، ۱۴۱۸ هـ ق، ۹، ۱۲۸)، منتهی فروشنده متعهد بوده و در آینده آن‌را محقق و مبیع را به مشتری تسلیم می‌کند. پس می‌توان گفت که برخی از محققان اسلامی ادله بطلان معامله دین به دین را ضعیف می‌دانند و با توجه به صحت این معامله نزد عقلا آن‌را مضمول ادله عامه و در نتیجه صحیح دانسته‌اند (الجواهری، ج ۲، ۱۰۱ - ۹۸؛ الفیاض، ۱۴۱۸ ق، ۲۶۱ و ۲۳۳ و ۱۹۷). شهید در مسالک و محقق در شرایع بر این باورند، اصل لفظی که از عموماتی مانند احل الله البیع استنباط می‌شود، مبنی بر صحت بیع است و خروج از این اصل تنها در موارد متیقن ممکن است. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ق، ۲۴، ۳۴۶)

در مقابل دلائل جواز: بعضی از فقهاء گرچه سند روایت لا بیع الدین بالدین را ضعیف می‌دانند، اما معتقدند که عمل اصحاب جابر این ضعف است (حائری، ه ق، ۱۵) و مسأله عدم جواز بیع دین به دین در انظار بعضی از فقهاء به‌گونه‌ای است که گویا عدم جواز بیع دین به دین را یک امر مسلم و قطعی تلقی کرده‌اند (الحلی، پیشین، ۵، ۳۸۹ و ۳۸۸؛ طوسی، ۱۴۰۸ ه ق، ۲۵۱؛ حلی، ۱۴۱۴ ه ق، ۱۶، ۳۷۶؛ عمیدی، ۱۴۱۶ ه ق، ۳، ۱۳۰؛ حلی، ۱۴۰۵ ه ق، ۲۵۱؛ عمیدی، ۱۴۱۶ ه ق، ۱، ۴۳۱)، اما به‌هرحال، ما باید تابع ادله باشیم. بر همین اساس در مورد بیع دین به دین دیدگاه مشهور ارجح می‌باشد؛ بنابراین اگر از مشهور تبعیت کنیم و صحت بیع دین به دین (تنها یکی از اقسام آن) را نپذیریم، ضرری به اصل بحث ما که تشکیل بازار دین است وارد نمی‌کند، چون راه‌های فقهی دیگری برای تصحیح این مسأله وجود دارد، از جمله از راه کلی فی الذمه (جزائری، ۱۴۱۶ ه ق، ۱، ۲۱۷)، یا از راه دیگری به‌این‌صورت که طرفین معامله را به‌صورت نقدی منعقد نمایند و هر دو توافق کنند که تسلیم عوض و معوض پس از مدتی در تاریخ معینی واقع شود (الموسوی الخمینی، ۱۴۱۰ ق، ۱، ۵۰۷) و یا از طریق وجه صاحب ریاض که در پاسخ به سؤال دوم ذکر شد و یا راه‌های فقهی دیگر؛ بنابراین بیع دین به دین نیز قابلیت تصحیح خواهد داشت.



جدول ۱. نظر مشهور در مورد بیع دین به دین

موضوع	فروع موضوع	حکم
هر دو دین قبل از عقد دین باشند	هر دو دین حال باشند	عدم صحت
	هر دو مؤجل باشند	عدم صحت
	یکی حال و دیگری مؤجل باشند	عدم صحت
هر دو به سبب عقد دین شوند	هر دو مؤجل باشند	باطل
	هر دو حال باشند	صحیح
	یکی حال و دیگری مؤجل	صحیح
یکی پیش از عقد دین باشد و دیگری به سبب عقد دین شود	دین به سبب عقد مؤجل باشد	باطل
	دین به سبب عقد حال باشد	صحیح

بیع دین به دین

پاسخ به سوال چهارم: برخی از فقها فرموده‌اند: بیع دین مؤجل به صورت نقدی به کمتر از مقدار واقعی آن بر کسی که دین بر او است یا غیر او مشکلی ندارد (تبریزی، ۱۴۲۷ ه ق، ۱۰، ۲۳۵)، بعضی دیگر گفته‌اند بیع دین به بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی آن، در صورتی است که معامله از شبهه ربا خالی باشد. (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ ه ق، ۸، ۳۵؛ حلی، ۱۴۲۰ ه ق، ۲، ۴۵۷؛ حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۵، ۳۷۲؛ حلی، ۱۴۰۷ ه ق، ۲، ۴۸۶)

### ۳. تشکیل بازار دین

#### ۳-۱ منظور از بازار دین

مفهوم بازار و خرید و فروش از دیرپاترین مفاهیم اجتماعی بشر بوده است و ضرورت تشکیل آن نیز عمری به درازای تشکیل جوامع بشری دارد. چون امر خرید، فروش و معاملات از امور تأسیسی شرعی مانند باب عبادات نیست، بلکه یک امر عقلایی و امضائی می‌باشد؛ لذا همراه با پیشرفت جوامع انسانی و ایجاد نیازهای جدید و توسعه‌ی ابزارهای متناسب همگام با آن ضروری است. از این رو نمی‌توان بازار را در مصداق ساده و بسیط آن محدود کرد و به همان متعبد شد. امروزه بازار

مفهومی گسترده و در قالب مقولات پرتأثیری از جمله وابستگی متقابل و هم‌گرایی اقتصادی بین‌المللی، تجدید حیات یافته است. ضرورت تشکیل بازار دین نیز مصداق یکی از بازارهای مبتنی بر سیره عقلا و براساس پیشرفت جوامع و نیازهای جدید و بر پایه‌ی توسعه‌ی ابزارهای مدرن می‌باشد که تشکیل آن تأثیر مهمی در سرنوشت اقتصادی افراد، جوامع و تداوم حیات اقتصادی آن‌ها دارد. منظور از بازار دین؛ بازاری است که در آن انواع مختلف اسناد دین که از نظر شرع و قانون مجاز است از طریق ابزارهای مختلف دادوستد شود. ایجاد و نهادینه شدن این بازار علاوه بر افزایش شفافیت می‌تواند گام مناسبی در جهت بازارمحور نمودن نظام مالی کشور به جای نظام بانک‌محور باشد و حتی می‌تواند وظایف سنگین بانک مرکزی در تأمین مالی تولید را سبک‌تر نموده تا بانک مرکزی به وظایف خود در سروسامان بخشیدن به متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم و ... بهتر عمل نماید. وجود این بازار به تنوع روش‌های تأمین مالی و ابزارهای مالی (انواع دیون قابل معامله) کمک می‌کند و ضمن تسریع نقدشوندگی انواع اسناد و اوراق بدهی، قادر است نقدینگی را به سمت بخش واقعی اقتصاد هدایت نماید. از نظر فقهی نیز وجود چنین بازاری که انواع متنوع معاملات در آن صورت پذیرد، نظیر تنزیل انواع اسناد مالی واقعی (یا حاکی از آن)، مانند تنزیل چک‌داری پیشینه بوده و امری مسلم می‌باشد. در تبیین نیاز به ایجاد بازار دین ذکر این نکته نیز ضروری است که توسعه و تنوع بازارها و ابزارهای مالی به‌عنوان زیرساخت‌های توسعه اقتصادی مطرح بوده و با بهره‌گیری از آن گردش مالی شرکت‌ها به سمت فضای کسب‌وکار و در جهت ملک و املاک و سوداگری‌های مؤثر بر تولید ملی و شکوفایی اقتصادی رهنمون می‌شود.

### ۳-۲ ساختار و مکانیسم

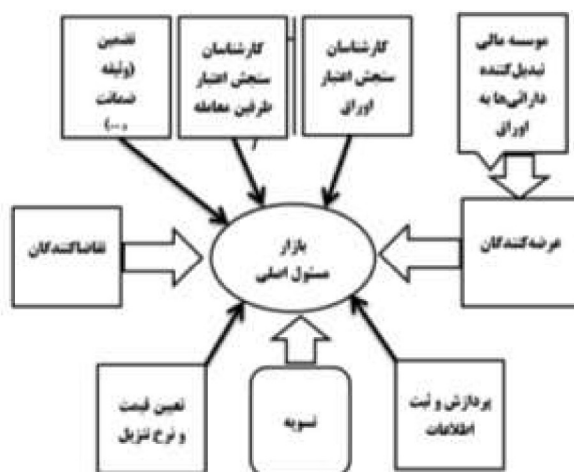
پیشنهاد می‌شود بازاری در مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها تشکیل شود و براساس آن امکاناتی فراهم و جایگاهی مبنی بر خرید و فروش و معامله دیون معین شود که در آن خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌ها، افراد حقیقی و حقوقی و ... قادر باشند، به راحتی و باطمینان، دیون و طلب‌های واقعی خود را تنزیل و نقد نموده و از این طریق تأمین مالی نمایند، به‌عنوان مثال یک بنگاه اقتصادی که دارای یک طلب مدت‌دار است، بتواند با مراجعه به آن بازار، طلب خود را به‌عنوان مثال با ده یا پنج درصد کمتر (به حسب سررسید) از ارزش واقعی آن وصول نماید و از این طریق حقوق کارمندان، خرید

مواد اولیه، امور توسعه‌ای، تجهیز به تکنولوژی روز و سایر مخارج و هزینه‌های خود را تأمین مالی نماید. از این رو مسأله امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار و تشکیل بازار برای آن، راهکار مناسب و مهمی برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است، با فراهم شدن چنین امکانی؛ خانوارها، بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود را در قالب اسناد رسمی درآورده و در این بازار به فروش برسانند و از این طریق نیازهای خود به نقدینگی را تأمین نمایند.

البته بازاری با تمام سازوکارهای لازم و عوامل حرفه‌ای و کارشناسان ماهر با مکانیسم‌های خاص خود به گونه‌ای که قادر باشد از هرگونه جهالت، غرر، ضرر و ... جلوگیری نمایند و اصل دین مورد معامله را اثبات، طرف حقیقی معامله به‌ویژه در تعاملات غیرمستقیم را شناسایی کند و از احتمال فروش دین به چند نفر جلوگیری نمایند و اهلیت طرفین معامله، قدرت و توانایی آن‌ها نسبت به تسویه دیون و تعهدات خود را تشخیص دهند و این بازار از همه پشتوانه‌های لازم برخوردار باشد به گونه‌ای که بنگاه‌های اقتصادی، افراد حقیقی و حقوقی و ... اولاً از چنین جایگاهی آگاه باشند و نحوه عملکرد و بکارگیری آن را بشناسند تا بتوانند از این فرصت بهره‌مند شوند، ثانیاً نسبت به آن اعتماد و اطمینان خاطر داشته باشند، ثالثاً همه عوامل اقتصادی به معامله در آن رغبت نمایند، رابعاً معاملات شرعی مانند انواع مختلف بیع دین، قرارداد آتی‌ها، قراردادهای حق اختیار تا جایی که از نظر شرعی قابلیت تصحیح داشته و بدون مشکل باشند در آن انجام شود. وقتی که بازار بیع دین مستقل و فراپرس باشد، می‌تواند به دلایلی مانند مقررات سخت و دست‌وپاگیر بازار بورس، هم‌چنین برقراری الزامات پذیرشی دشوار آن و عدم توانایی در برآورده کردن سلايق تمامی شرکت‌ها و افراد با استقبال بنگاه‌های اقتصادی و مالی روبه‌رو شود و نقش مؤثرتری در تسهیل مبادلات با ابزار اوراق بدهی و حتی سایر اوراق و اسناد مالی برعهده داشته باشد.

ایجاد بازار دین باید با استفاده از فناوری‌های روز دنیا در حوزه رایانه و ارتباطات باشد و با تسهیل مقررات و بهره‌گیری مناسب همه سازوکارهای معاملاتی برای تسریع در گردش معاملات و کاهش هزینه‌های معاملاتی همراه باشد. البته در تشکیل بازار دین فراپرس در کشور باید توجه داشته باشیم که شکل‌گیری و نهادینه شدن این بازار به‌خصوص در مراحل اولیه تشکیل، شاید با مخاطرات و چالش‌هایی همراه باشد و ممکن است فرآیند نهادینه شدن و کارا شدن این بازار مقداری زمانبر باشد که راه کارهای خاص خود را می‌طلبد. جایگاه بازار و مسئول آن معین است، صاحبان

اسناد بدهی به آن‌جا مراجعه کرده یا با تلفن، اینترنت و... تصمیم خود را مبنی بر مبادله‌ی سند با اسناد دیگر یا نقد کردن آن با نرخ مشخص اعلام می‌کنند، از سوی دیگر خریداران اسناد دین نیز قصد خود را مبنی بر خرید با نرخ خاص و میزان معین اعلان می‌کنند (در تابلوی آن، لیست عرضه‌کنندگان، متقاضیان و نوع اسناد با نرخ معین ثبت می‌شود). بازار از کارشناسی ماهر بهره می‌برد که وظیفه تشخیص اسناد از حیث نقدشوندگی، سنجش واقعی بودن دین، عدم جعل اسناد، عدم فروش به چند نفر هم‌زمان (کلاه‌برداری)، بررسی و اعتبارسنجی صادرکنندگان اسناد دیون و... را به‌عهده دارند. برای ارائه خدمات‌های متنوع مانند واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان، کسب آمار و اطلاعات و اطلاع‌رسانی به واردشوندگان، بیمه اسناد، کارمزد مسئولان، کارشناسان و سایر هزینه‌های بازار، درصد معینی از نرخ تنزیل کسر و دریافت می‌شود.



جدول ۲. مراحل اسناد: ۱. ارائه سند به بازار ۲. ارسال برای بررسی‌های کارشناسی (واقعی بودن، اهلیت صادرکننده، عدم جعلی و فروش به چند نفر) ۳. معرفی به متقاضیان و ثبت در تابلو ۴. انتقال سند و وجوه بعد از کسر نرخ از آن برای کارهای قانونی و تضمین.

### ۳-۳ ابزارهای دادوستد

از جمله ابزارهایی که برای تأمین منابع مالی موردنیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی در بانکداری اسلامی به‌کار گرفته می‌شود، خرید دین است که به موجب آن بانک سفته، برات یا هر

سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله واقعی باشد، خریداری می‌کند. این ابزار اگرچه برای اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت بانک‌ها به بنگاه‌های اقتصادی طراحی شده است، ولی قابلیت آن را دارد که در بازار بین‌بانکی دادوستد شود؛ به این صورت که هر یک از بانک‌ها بخشی از اسناد تنزیلی خود را برای خرید و فروش به بازار بین‌بانکی عرضه می‌کنند، یعنی در مواقعی که احتیاج به نقدینگی دارند، اقدام به فروش اسناد تنزیلی می‌کنند و هر زمان که با مازاد منابع مواجه شدند، اقدام به خرید آن‌ها می‌کنند (ر. ک: موسویان و کاوند، ۱۳۸۹، ۵۱). (این ابزار قابلیت تسری به بازار دین پیشنهادی نیز دارند)، به عبارت دیگر یکی از نیازهای اشخاص، خانوارها، موسسات و بنگاه‌های اقتصادی و... این است که از طریق معامله نسبه فعالیت خود را ادامه دهند، چون آن‌ها گاهی توان مالی کافی برای خریدن نقدی اموال و مایحتاج خود را ندارند؛ فروشگاه‌ها، تولیدی‌ها و صاحبان کار و خدمت به خاطر عدم شناخت یا هر دلیل دیگر حاضر به معامله با آن‌ها نیستند؛ بنابراین باید ابزار مطمئنی باشد که به واسطه آن صاحبان منابع و خدمات بدون نگرانی و با آسودگی خاطر، به مشتریان خود اعتماد کنند و با آن‌ها معامله نسبه انجام دهند و مطمئن باشند که آن‌ها نمی‌توانند منکر بدهی خود شوند. از طرف دیگر خود این بنگاه و تولیدی اگر نیاز به پول پیدا کرد، بتواند با همان وسیله، جذب پول کند. مهم‌ترین ابزار و وسیله که به این منظور طراحی شده بیع دین و تنزیل آن به واسطه اوراق بهادار مانند چک و سفته است. بدین وسیله اگر مشتری توانایی خرید نقدی را نداشت یک برگ چک مدت‌دار را امضا کرده و به فروشنده می‌دهد و او با قیمت بالاتر کالا را در اختیار مشتری قرار می‌دهد و هنگام سررسید چک را در بانک تبدیل به پول می‌کند، یا این‌که قبل از سررسید اگر نیاز به پول پیدا کرد به بانک مراجعه و آن را تنزیل می‌کند و چون پشتوانه آن چک، بانک است، صاحبان کالاها و خدمات هیچ‌گونه نگرانی نسبت به وصول دین خود ندارند؛ ضمن این‌که مشتری نیز با اطمینان خاطر خرید خود را انجام می‌دهد. هم‌چنین است سفته حقیقی که نشان از بدهی واقعی و مدرک آن می‌باشد و امضاکننده آن حقیقتاً مبلغ ذکر شده را به دارنده سفته بدهکار است؛ بنابراین معاملات نسبه در مبادلات اقتصادی می‌تواند چرخه اقتصاد را تقویت کند و راه ورود آن هم، مسئله بیع دین و تنزیل می‌باشد؛ چون این راه کار باعث می‌شود که مشتریان در صورت عدم توان پرداخت نقدی کالا، سفته‌ی مدت‌داری را به فروشنده بدهند و فروشنده نیز اگر قبل از سررسید، نیاز به پول پیدا کرد، سفته را نزد شخص ثالث تنزیل می‌کند و مشکلات دو طرف حل می‌شود.

ابزار دیگر مناسب این بازار عبارت از تسهیلات فروش اقساطی (مراجعه) می‌باشد (ر. ک: موسویان، کاوند، ۱۳۸۹، ۵۳). این تسهیلات دارای زمان‌بندی معلوم و مشخص هستند؛ در نتیجه با توجه به شرایط بازار امکان فراهم کردن بسته‌های مناسب تسهیلاتی و عرضه به بازار وجود دارد. در بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار ایران نیز زمینه‌های لازم برای تبدیل این تسهیلات به اوراق بهادار، تحت عنوان اوراق رهنی، فراهم شده است. ارکان تشکیل‌دهنده عملیات تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار در (ر. ک: همان، ۵۳ و ۵۴؛ سروش، ۱۳۸۷، ۱۶۵) بیان شده است. هم‌چنین برای این بازار می‌توانیم از ابزار دیگر مانند اوراق مرابحه تأمین مالی، اوراق مرابحه تأمین نقدینگی، اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری و اوراق مرابحه رهنی نیز استفاده کنیم (ر. ک: موسویان، وثوق، آرنی، ۱۳۹۲، ۱۹۱ و ۱۹۲). این موارد از قابلیت به‌کارگیری در بازار دین برخوردارند.

### ۳- ۴ اوراق مجاز در آن

اوراق مجاز در این بازار شامل کلیه اسناد مالی، اوراق بدهی مانند چک، سفته، برات و یا هر سند مالی ناشی از معامله واقعی می‌شود، دارندگان این اوراق می‌توانند آن‌ها را تنزیل و نقد نموده و از این طریق تأمین مالی نمایند از جمله:

الف) تسهیلات فروش اقساطی (مراجعه) (ر. ک: موسویان و کاوند، ۱۳۸۹، ۵۳)

ب) تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار (سروش، ۱۳۸۷، ۱۶۵)

ج) اوراق مرابحه تأمین مالی، اوراق مرابحه تأمین نقدینگی، اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری و اوراق مرابحه رهنی (موسویان، وثوق، آرنی، ۱۳۹۲، ۱۹۲)، اوراق مرابحه موسسات مالی (موسویان، ۱۳۸۷، ۳۵۸ و ۳۵۹).

این اوراق صلاحیت دادوستد در این بازار را دارا می‌باشند و یا از قابلیت اصلاح و استفاده در این بازار برخوردار هستند.

### ۳- ۵ کشف نرخ سود بازار

مکانیسم انجام معاملات در بازار دین باید به‌نحوی باشد که اصول معامله در آن براساس فرآیند چانه‌زنی بوده و مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین‌کننده قیمت باشد و تنها در صورتی این بازار می‌تواند

از کارایی لازم برخوردار باشد که نقطه تعادل آن از طریق مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین شود تا نهادهای مالی فعال در بازار بتوانند مستقلاً از کارکرد مطلوب برخوردار باشند. مهم‌ترین مزیت بازار فرابورس نسبت به بورس، عرضه تسهیلات بیشتر در بازار معاملات است. زیرا شرایط قرارداد را بورس تعیین نمی‌کند و معامله‌گران به راحتی می‌توانند در گفتگوی مستقیم با یکدیگر در رفع نیازهای خود به راه‌حل‌های بهینه برسند. به‌طور طبیعی نرخ سود در این بازار براساس نوع صکوک و متناسب با سررسید آن‌ها تعیین می‌شود.

### ۳-۶ فرایند تسویه

در این بازار مشتریان و کارگزاران از طریق تلفن، اینترنت و کلیه روش‌های مرسوم با هم در ارتباط هستند و درخواست‌ها از روش‌های مختلف ثبت می‌شود. روش کلی معاملات بدین ترتیب است که تقاضای خریداران و فروشندگان در سیستم ثبت، سپس با توافق طرفین بر روی قیمت، نقل و انتقال قطعی دیون و اوراق صورت می‌گیرد و زمانی که کلیه اسناد و اوراق صکوک براساس عقود اسلامی طراحی شده باشد و در یک فرایند منطقی داری‌ها توسط بنگاه‌های معتبر مانند بانک‌ها به اوراق بهادار تبدیل شوند به‌عنوان مثال وقتی دارایی یک تولیدی خاص، املاک یک خانوار معین یا مزارع یک کشاورز خاص ارزش‌سنجی شود و براساس آن چک، سفته، برات و ... صادر شود، ارزش اسمی این اسناد به‌صورت معین بر روی آن‌ها ثبت می‌باشد. دارنده اسناد مالک آن شناخته شده و می‌تواند آن‌ها را در بازار اولیه یا ثانویه به حسب سررسید تنزیل نماید و به این طریق تأمین مالی کند. این تمهیدات و شرایط در جهت تضمین نقد شدن اسناد بدهی در زمان وصول است که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

### ۳-۷ تضمین نقد شدن اسناد دیون

مسئله‌ای که در بازار فرابورس مطرح است، اولاً ریسک اعتباری طرفین معامله است، یعنی این احتمال وجود دارد که طرفین به تعهدات خود عمل نکنند و ثانیاً ریسک واقعی نبودن اسناد دیون؛ از جهت جعلی بودن، صوری بودن و فروش به چند نفر. استواری و رونق این بازار به دور بودن از غرر، جهل و ریسک‌های خارج از حد متعارف است.

ریسکی که خرید دین برای مشتریان و تبدیل‌کنندگان دارایی (بانک‌ها) به اوراق بهادار پدید می‌آورد، ریسک اعتباری است، با توجه به این‌که خرید دین، ابزاری برای خرید و فروش بدهی است، عدم پرداخت به موقع بدهی به‌وسیله بدهکار، ریسک اعتباری آن‌ها را افزایش می‌دهد. مدیریت ریسک اعتباری مانند مدیریت سایر ریسک‌ها نیازمند فراهم ساختن استراتژی‌ها، رویه‌ها و سیاست‌گذاری‌های متناسب جهت شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل این ریسک است. استراتژی‌های کلی مربوط به این نوع ریسک با در نظر داشتن تمایل تبدیل‌کننده‌ی دارایی به اوراق (بانک) به اعطای اعتبار در بخش‌های متعدد و همچنین سررسید و سودآوری‌های گوناگون مشخص می‌شود، به این جهت باید هدف‌های بانک درباره نوع و وضعیت اعتباری مشتریان، درآمدها، رشد مورد انتظار و همچنین رابطه ریسک و بازده مورد انتظار برای فعالیت‌ها تعیین شود. این رویه‌ها دربرگیرنده سیاست‌های شناسایی ریسک اعتباری، اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل آن است. در سطح پیشگیری از وقوع ریسک اعتباری، کوشش بانک‌ها در جهت شناسایی مقدار واقعی ریسک مربوط به گیرنده تسهیلات است تا بدگزینی را به حداقل رسانند؛ بنابراین بانک جهت تصدیق اعتباری گیرنده تسهیلات، به اطلاعات فراوانی نیاز دارد. وثیقه، ذخیره زیان وام، ضمانت و دیگر روش‌های بازدارنده مانند اندازه‌گیری رتبه اعتباری وام‌گیرنده، روش‌های بانک‌های متداول هستند که مورد توجه بانکداری بدون ربا نیز می‌باشند. (موسویان، موسوی بیوکی، ۱۰۲، ۱۳۸۸ و ۱۰۳)

همچنین دو ابزار مهم تأمینی در برابر زیان اعتباری عبارت از ابزار رهن و ضمانت است. این دو ابزار در حال حاضر در نظام بانکی ایران بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ۱۶۶). از ابزار سوآپ نکول اعتباری به‌عنوان مصداق جدید عقد ضمانت نیز می‌توان در این زمینه استفاده کرد. (ر. ک: موسویان، موسوی بیوکی، ۱۳۸۶، ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۱۲)

یکی از راه‌کارهای دیگر برای تضمین اعتبار اسناد دیون وثیقه‌گیری است، شیوه وثیقه‌گیری به‌صورت‌های مختلف می‌تواند انجام شود، از جمله این‌که اسناد واقعی این دیون از زمانی که تبدیل به اوراق بهادار شد تا هنگامی که فرایند تسویه آن پایان می‌یابد در اختیار موسسه و بنگاه تبدیل‌کننده و صادرکننده‌ی اوراق قرار بگیرد یا شخص معتبری وصول آن را ضمانت نماید یا وثیقه‌های دیگری دریافت شود. البته قابل توجه است که از نظر شرعی هم وثیقه و ضمانت، اگر در قرارداد قرض یا هر قرارداد دیگری که به دین منتهی می‌شود، شرط شود که بدهکار چیزی را نزد طلبکار رهن بگذارد یا



فردی را به‌عنوان ضامن یا کفیل معرفی کند، چنین شرطی هرچند به مصلحت قرض‌دهنده و طلبکار باشد، ربا و حرام نیست. (موسویان، 1386، ۱۹۵)

برای سنجش واقعی بودن و صوری نبودن این معامله ضوابط معینی وجود دارد، ضابطه اصلی در عقد بیع دین صوری نبودن دین است، یعنی دیونی می‌توانند براساس عقد بیع دین تنزیل شوند که واقعی باشند نه صوری (بدهی واقعی یعنی دین ناشی از یک معامله واقعی باشد)، در این رابطه اولاً اسناد دیون مورد معامله باید با بخش واقعی اقتصاد مرتبط باشد و براساس آن معامله واقعی صورت گرفته باشد و ثانیاً بین متعاقبین رابطه اتحاد در مالکیت برقرار نباشد، یعنی به‌این‌صورت نباشد که متعاملین دارای شخصیت حقوقی واحد باشند، اگر این‌گونه باشد، بیع صوری و از نظر شرع غیر قابل تنزیل خواهد بود ولو این‌که وجوه حاصله از تنزیل در فعالیت حقیقی و مشروع اقتصادی مورد استفاده واقع شود. برای اطمینان از واقعی بودن اسناد دیون کارشناسان این بازار باید توانایی بررسی این اسناد را داشته باشند و قادر باشند با شیوه‌های گوناگون از جمله استعلام از بنگاه تبدیل‌کننده‌ی دارای به اوراق بهادار یا ثبت اسناد و املاک و سایر شیوه‌های مرسوم از این مسأله اطمینان حاصل نمایند.

ابزارهای دیگر نیز مانند ابزارهای مشتقه‌ی قولنامه و بیع بالوفا وجود دارد. در قولنامه شخص خریدار با پرداخت بیعانه خرید کالایی با قیمت از پیش تعیین شده را قرار می‌گذارد؛ بنابراین فروشنده قول می‌دهد کالای موردنظر را با قیمت معین شده در موعد مقرر تحویل دهد، اگر به‌هردلیلی خریدار منصرف شود، وجه پرداختی او بابت بیعانه به‌صورت خسارت به فروشنده تعلق می‌گیرد. البته قابل ذکر است که قولنامه می‌تواند به‌صورت اختیار خرید نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در بیع بالوفا فروشنده کالای خود را به قیمتی معین که می‌تواند کمتر از قیمت بازاری باشد به خریدار می‌فروشد و در قرارداد شرط می‌گذارد که اگر در موعد مقرر مبلغی را که به‌صورت قیمت کالا به‌وسیله خریدار به فروشنده پرداخت شده است بازپرداخت کند، اختیار فسخ معامله را داشته باشد. (ر. ک: اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵، ۱۶۵ و ۱۶۶)

علاوه بر شیوه‌های ضمانت و کسب اطمینان معمولاً در این نوع بازارهای فرابورس مکالمات تلفنی ضبط یا ثبت شده و در دعاوی حقوقی یا موارد اختلاف‌برانگیز بین معامله‌کنندگان، می‌تواند مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

### ۳-۸ شرایط حاکم بر بازار

باید اخلاقی که در فضای بازار حقیقی و فیزیکی وجود دارد، بر این بازار نیز حاکم باشد و این بازار از ویژگی‌هایی مانند شفافیت، تطابق با شرع و حاکمیت اخلاق اسلامی برخوردار باشد و علاوه بر این‌ها هدایت و نظارت دولت از اصول اصلی این بازار باشد تا همراه با افزایش کارایی و از بین رفتن زمینه‌های فساد مالی (جلوگیری از هر نوع معامله صوری، ممنوعیت اجحاف، جلوگیری از ورود به معاملات ربوی و ...)، تسهیل مبادلات را به دنبال داشته باشد. الزامات معمولی در این زمینه شامل سخت‌افزار، نرم‌افزار، شبکه و متخصصان بوده و الزامات اصلی در حوزه تجارت الکترونیک شامل مشتری، خریدار و واسطه است و همچنین الزامات حقوقی برای راه‌اندازی چنین بازاری با امکانات الکترونیکی نیز مانند امضاء الکترونیکی، چک قراردادها و تاییدهای الکترونیکی و از همه مهم‌تر اخلاق در فضای بازار الکترونیکی در این حوزه بسیار مهم هستند.

### نتیجه‌گیری

امروزه، افراد، بنگاه‌های اقتصادی و حکومت‌ها در بسیاری از شئون خود با انواع بدهی‌ها مواجه‌اند و بدهی‌ها تأثیر مهمی بر زندگی آن‌ها دارد که این مساله حاکی از اهمیت موضوع دیون است. در تفکر اسلامی سندهای دین و مسأله‌ی بیع آن، دارای سابقه است. در این تحقیق بعد از بررسی امکان بیع انواع دیون از نظر فقهی به تشکیل بازار خرید و فروش دین پرداخته شده است. امروزه با توجه به کاربردهای گسترده اسناد بدهی و ضرورت مبادله‌ی آن‌ها، جای چنین بازاری خالی است. برای توسعه بازارهای مالی و نیل به رشد اقتصادی و با توجه به مقررات سخت بازار بورس و برقراری الزامات پذیرشی دشوار آن، ایجاد بازار دین لازم است. جهت ایجاد تنوع در روش‌های تأمین و ابزارهای مالی، تسریع نقدشوندگی بدهی‌های شرکت‌های حقیقی و حقوقی، تشکیل بازار خرید و فروش دین که ویژگی‌ها و کارکردهای بازار اسلامی را دارا باشد، راه‌کاری مناسب برای تأمین مالی است. بازار مستقلی همراه با امکاناتی جهت معامله دیون فراهم شود که بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌ها، افراد حقیقی و حقوقی و ... قادر باشند به راحتی و بااطمینان دیون واقعی خود را تنزیل و از این طریق تأمین مالی نمایند. البته بازاری با سازوکارهای مناسب که از همه پشتیبان‌های لازم برخوردار باشد. بازاری با ابزارهای بیع دین و تنزیل آن، تسهیلات فروش اقساطی (مراجعه)، انواع اوراق مراجعه و...

ریسک‌های آن بازار نیز متناسب با وثیقه، ضمانت، رهن، سوآپ نکول، قولنامه و بیع بالوفا قابل پوشش است. ایجاد این بازار باید با استفاده از فناوری‌های روز دنیا، و با تسهیل مقررات و با بهره‌گیری مناسب از همه سازوکارهای معاملاتی برای تسریع در گردش معاملات و کاهش هزینه‌های آن همراه باشد. این بازار باید از ویژگی‌های شفافیت، تطابق با شرع، حاکمیت اخلاق اسلامی و هدایت و نظارت دولت برخوردار باشد تا همراه با افزایش کارایی و از بین رفتن زمینه‌های فساد مالی، تسهیل مبادلات را به دنبال داشته باشد. از نظر فقهی هم وجود بازاری که انواع متنوع معاملات در آن انجام شود امری مسلم و عاری از مشکل شرعی می‌باشد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- سید کاظم صدر، پول و سیاست‌های پولی در صدراسلام، از کتاب (مقالاتی در اقتصاد اسلامی)، عباس میرآخور و باقرالحسنی، ترجمه حسن گلریز، موسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- وزیری، مجید، بررسی بیع دین به دین در فقه امامیه، مجله فقه و مبانی حقوق، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۸۶، صص ۱۲۵ - ۱۴۴.
- بزمی، ریحانه، بررسی بیع دین به دین و مقایسه تطبیقی با نهادهای مشابه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- سروش، ابوذر، اوراق مشارکت رهنی ابزاری نوین در تامین مالی بانک‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۷.
- موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوم، ۱۳۸۷.
- موسویان، سیدعباس، کاوند، مجتبی، مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- موسویان، سیدعباس؛ وثوق، بلال؛ آرنی علی فرهادیان؛ شناخت و رتبه‌بندی ریسک‌های ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، اندیشه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۳.
- موسویان، سیدعباس، 1386 ش (الف)، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ابوالحسنی، اصغر و حسنی مقدم، رفیع، 1387، «بررسی انواع ریسک‌ها و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربای ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، ش 30. موسویان، سیدعباس؛ موسوی بیوکی، سیدمحمد مهدی؛ مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره 33، بهار 1388. اکبریان، رضا؛ دیانتی، محمدحسین؛ مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا، اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۵.

#### منابع عربی

النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، الطبعه السادسة، ۱۳۹۴ ق.

الموسوی السبزواری، السید عبد الاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، موسسه المنار، الطبعه الرابعه، ۱۴۰۷ ق.

الفیاض، محمد اسحاق، احکام البنوك و الاسهم و السندات و الاسواق المالیه (البورصه)، قم، مکتب سماحه آیه‌الله العظمی محمد اسحاق الفیاض، الطبعه الاولى، ۱۴۱۸ ق.

الجواهری، حسن، بحوث فی الفقه المعاصر، بیروت، دار الذخائر، الطبعه الاولى.

الموسوی الخمینی، السید روح‌الله، کتاب البیع، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعه الرابعه، ۱۴۱۰ ق.

محمد علی القری بن عید، بیع الدین و سندات القرض و بدائلها الشرعیة فی مجال القطاع العام و الخاص، منظمه المؤتمر الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی (جده)، الدورۃ الحادیة عشره، البحرین، المنامه، ۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م، صص ۵ و ۶.

ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، الطبعه الاولى، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۱۶ هـ ق، ۱۹۹۵ م.

السید علی الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، الطبعه الخامسه، قم، مکتب آیه‌الله السید السیستانی، ۱۴۱۷ هـ ق.

الموسوعه الفقهیه (المعروفه بالموسوعه الكويتیه)، ج ۲۱، الطبعه الثانيه، الكويت، وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۰۴ هـ ق.

عبد اللطیف محمود آل محمود، بیع الدین، منظمه المؤتمر الاسلامی، مجمع الفقه الاسلامی (جده)، الدورۃ الحادیة عشره، البحرین، المنامه، ۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م.

سید محمد جواد الحسینی العاملی، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۵، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تشكيل بازار دين (تأمين مالى اسلامى) ٩٩

اصفهانى، سيد ابوالحسن، وسيلة النجاة (مع حواشى الإمام الخمينى)، ١ جلدى، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره، ١٤٢٢ هـ ق، اول، قم- ايران، خمينى، سيد روح الله موسى.

البحرانى، الشيخ يوسف، الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، ١٤٠٥ هـ ق، ج ٢٠، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ص ٤٩.

بجنوردى، سيد حسن بن آقا بزرگ موسى، القواعد الفقهيّة، ٧ جلدى، نشر الهادى، ١٤١٩ هـ ق، اول، قم- ايران، مصحح: مهدي مهريزى- محمد حسن درايّتى.

مشكينى، ميرزا على، مصطلحات الفقه، انتشارات الهادى، ١ جلدى، بهار ١٣٨١، سوم.

حلّى، يحيى بن سعيد، الجامع للشرائع، ١ جلد، مؤسسه سيدالشهداء العلميه، قم- ايران، اول، ١٤٠٥ هـ ق.

حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، مختلف الشيعه فى أحكام الشريعة، ٩ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم- ايران، دوم، ١٤١٣ هـ ق.

جزائرى، سيد محمد جعفر مروج، هدى الطالب فى شرح المكاسب، ٧ جلد، مؤسسه دار الكتاب، قم- ايران، اول، ١٤١٦ هـ ق.

عاملى، سيد جواد بن محمد حسينى، مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلامه (ط - القديمه)، ١١ جلد، دار إحياء التراث العربى، بيروت- لبنان، اول، هـ ق.

طوسى، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فى فقه الإماميه، ٨ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران- ايران، سوم، ١٣٨٧ هـ ق.

طبرسى، امين الإسلام، فضل بن حسن، المؤلف من المختلف بين أئمة السلف، ٢ جلد، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد- ايران، اول، ١٤١٠ هـ ق.

طوسى، ابوجعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ٦ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم- ايران، اول، ١٤٠٧ هـ ق.

نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، ٣٣ جلد، دار إحياء التراث العربى، بيروت- لبنان، هفتم، ١٤٠٤ هـ ق.

عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، اللمعة الدمشقية فى فقه الإماميه، ١ جلد، دار التراث- الدار الإسلامية، بيروت- لبنان، اول، ١٤١٠ هـ ق.

حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، قواعد الأحكام فى معرفة الحلال و الحرام، ٣ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم- ايران، اول، ١٤١٣ هـ ق.

عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين، جامع المقاصد فى شرح القواعد، ١٣ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم- ايران، دوم، ١٤١٤ هـ ق.

۱۰۰ دوفصلنامه رهیافت‌های پژوهش اقتصادی، سال اول، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء)، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، حاشیة کتاب المکاسب (للهمدانی)، یک جلد، جناب مؤلف، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ ه.ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه.ق.

اصفهانى، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.

قمی، سیدتقی طباطبایی، مبانی منهاج الصالحین، ۱۰ جلد، منشورات قلم الشرق، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ ه.ق.  
حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیث)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ ه.ق.

حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، کتاب المناهل، یک جلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم - ایران، اول، ه.ق.

محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضیلة، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء (ط - الحدیث)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه.ق.

یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، یک جلد، مؤسسه سیدالشهداء العلمیة، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ ه.ق.  
جزائری، سید محمد جعفر مروج، هدی الطالب فی شرح المکاسب، ۷ جلد، مؤسسه دار الکتب، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه.ق.

تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة (للتبریزی)، ۷ جلد، دار الصدیقة الشهیدة، قم - ایران، اول، ۱۴۲۷ ه.ق.  
وجدانی فخر، قدرت‌الله، الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، ۱۶ جلد، انتشارات سما قلم، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۶ ه.ق.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیث)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ ه.ق.

تشكيل بازار دين (تأمين مالي اسلامي) ١٠١

حلّي، جمال الدين، احمد بن محمد اسدي، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، ٥ جلد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم- ايران، اول، ١٤٠٧ هـ.ق.  
طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، ١٠ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران- ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ.ق.  
شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ٢٩ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ١٤٠٩ هجري قمري.  
ثقة الاسلام كليني، الكافي، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية تهران، ١٣٦٥ هجري شمسي.